

سیمای حیات طیبه در آینه قرآن و سخن معصومین



حجة الاسلام والمسلمین سید حسین بهشتی نژاد

قال الله تعالی: یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله وللرسول اذا دعاکم لما یحکم (۱)
یکی از واژه های نورانی قرآن، واژه حی و حیاة است که با مشتقات فراوان نظیر حی، یحیی، احیاکم، یحیی، یحییکم، مُحیی به طور گسترده در قرآن و روایات به کار رفته که بر تارک نورانی آن کلمه حی نام و صفت حضرت حق است که در موارد متعدد قرآن دیده می شود. جالب آن است که جاذب ترین و شیرین ترین نعمت برای بشر، سرمایه حیات است. ابعاد تحقیق در این قلمرو، بسی گسترده و متنوع است، اما در این نوشتار، نگارنده در صدد تأمل و اندیشیدن و بررسی این واژه در دو بعد مادی و معنوی است و شایسته است اهل تحقیق و ملاحظه کنندگان مقاله به بهانه آن در ژرفای آیات و روایات عمیقاً بیندیشند و از این خوان پر نعمت و لذیذ قرآنی توشه ها بگیرند.

بر اساس یک سیر اجمالی در آیات و روایات ظریفی از معارف الهی و نکات تربیتی و دستیابی به نقشه صحیح زندگی انسانی و

الهی را احساس کردم که می‌تواند راهگشای همه معضلات فردی و اجتماعی و بهترین گنجینه نمونه پردازی و الگودهی به پویندگان حق و تشنگان زمزم فضیلت باشد؛ اما به کارگیری این واژه در بُعد مادی در رایج‌ترین کلمه با عنوان حیاة الدنيا آمده که در این آیات بارها بر بُعد منفی دنیا و چهره فریسنده‌گی و زرق و برق‌های زودگذر آن اشاره و با هشدارهای گوناگون از افتادن انسان در دام شیطان و وسوسه‌ها و تزینات او تأکید شده است. در برخی از آیات شاخص‌های فریب‌خوردگان دنیا با فلش‌هایی مانند: «رضوا بالحیة الدنیا» (۲) آنان که به زندگی دنیا دلخوش کردند و امید و اعتقادی به آخرت ندارند. «آثر الحیوة الدنیا» (۳) «بل تؤثر الحیوة الدنیا» (۴) کسانی که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند، «الذین اشتروا الحیة الدنیا بالآخرة» (۵) گروهی که زندگی دنیا را با از دست دادن آخرت برای خود خریدند «غرثهم الحیة الدنیا» (۶) «الذین اتخذوا دینهم هواً ولعباً و غرثهم الحیة الدنیا» (۷) «ذلک بأنکم اتخذتم آیات الله هزواً و غرثکم الحیة الدنیا» (۸) آنان که زندگی دنیا، آنان را فریب داد. «یعملون ظاهراً من الحیة الدنیا وهم عن الآخرة هم غافلون» (۹) ظاهر بسینانی که تنها جلوه‌های آشکار دنیا را دیده، اما از آخرت غافلند.

یک نقطه دقیق و ظریف در آیات ذکر شده، آن است که دنیا‌گرایان با شاخص‌های یاد شده معمولاً گرفتار انواع آلودگی‌های اعتقادی و اخلاقی از نوع انکار قیامت، استهزاء، آیات الهی، بازیچه‌انگاشتن آیین حق، غفلت از آیات، طغیان و سرکشی هستند که با مراجعه به کل آیات مبانی فکری و خاستگاه اندیشه و پرونده تبه‌کاری آنان روشن خواهد شد. اما در گروهی از آیات با همین عنوان حیاة الدنيا، سخن از انسان‌های الهی و دنیاشناسان واقعی است که شیوه استفاده صحیح از مواهب حیات و طبیعت را شناخته و عالیترین توشه را از آن برای عالم آخرت بر گرفته‌اند. لذا با انواع مزده‌ها و الطاف و



۲. یونس/۷
۳. نازعات/۳۸
۴. اعلیٰ/۱۶
۵. بقره/۸۶
۶. انعام/۷۰
۷. اعراف/۵۱
۸. جاثیه/۳۵
۹. روم/۷

نصرت های الهی در همین بستر دنیا از آنان یاد شده است و اینک شاخص های این گروه را بنگرید.

❁ بشارت سعادت دنیا و آخرت

«لهم البشري في الحياة الدنيا وفي الآخرة» (۱۰)

برای مؤمنان متقی مژده الهی است در زندگی دنیا و در آخرت

❁ نصرت و یاری پروردگار

«أنا لننصر رسلتنا والذين آمنوا في الحياة الدنيا ويوم يقوم الأشهاد» (۱۱)

ما به طور قطع، پیوسته یاری دهنده رسولان و مؤمنان در زندگی دنیا و روزی که گواهان پیا خیزند، هستیم.

❁ تثبیت پایگاه اعتقادی و اندیشه مؤمنان راستین

«يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (۱۲)

خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به خاطر گفتار و اعتقاد ثابتشان در این جهان و هم در سرای دیگر، استوار می دارد.

❁ بهره مندی از مزایای مادی

«قل هي للذين آمنوا في الحياة الدنيا خالصة يوم القيامة» (۱۳)

بگو ای پیامبر علاوه بر مزایای صحیح مادی در این عالم برای مؤمنان، در قیامت نیز به صورت خالص برای آنان هست.

❁ ولایت، نصرت و یاری پروردگار

«نحن أولياكم في الحياة الدنيا وفي الآخرة» (۱۴)

ما یاران و مددکاران شما در زندگی دنیا و در آخرت هستیم.

❁ حیات طیبه

و بالاخره مژده حیات طیبه و زندگی پاکیزه و دور از هر گونه آلودگی و آمیخته با فضائل اخلاقی و انسانی برای مؤمنان راستین

باشد. «من عمل صالحاً من ذكر او انثي وهم مؤمن فلنحيينه حياة طيبة» (۱۵)

جالب آن است که در آیات ذکر شده پیوسته سخن از ایمان، تقوی، استقامت در ایمان و مجموعه ای از ارزش های متعالی است که با مراجعه به همه آیات، این حقیقت روشن خواهد شد.

آنچه گفته شد تلاش در تبیین و روشن نمودن واژه «حياة الدنيا» بود



۱۰. یونس/۶۴

۱۱. غافر/۵۱

۱۲. ابراهیم/۲۷

۱۳. اعراف/۷

۱۴. فصلت/۳۱

۱۵. نحل/۹۷

و گرنه در قلمرو واژه‌های دیگر در آیات سخن از ویژگی‌های انسان‌های وارسته با بهره‌مندی از مزایای طبیعی بسیار است که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در آیه ۷۷ سوره قصص و ۲۰۱ سوره بقره و آیه ۳۰ و ۱۲۲ سوره نحل یافت.

این مجموعه از آیات قرآن همراه با انبوهی از روایات و گوهر بی‌همتای سخنان پیامبر ﷺ و دودمان پاک آن بزرگوار و خطبه‌های دلنشین و سراسر حکمت امیر سخن و بیان، امیر المؤمنین (علیه السلام) که نمونه آن را در خطبه‌های ۲۸-۳۲-۴۵ نهج البلاغه می‌توان ملاحظه کرد که از دنیا به عنوان عالی‌ترین بستر رشد و تعالی و بسر گرفتن توشه برای آخرت و بهره‌مندی صحیح از مواهب طبیعت با عنوان: «متجر اولیاء الله، مسجد احباء الله، مصلي ملائكة الله» تمجید شده و از سویی با کوبنده‌ترین هشدارها پرده از چهره فریبنده آن برداشته شده است. لذا بهترین پشتوانه نگرش صحیح و متعادل نسبت به دنیا و حیات مادی است. اما موارد به کارگیری واژه حیات در قلمرو معنوی در آیات و روایات بسی گسترده است که در یک جمع‌بندی اجمالی این کلمه نورانی در حدود ده زمینه و خاستگاه معنوی به کار رفته:

● حیات اخروی

گاه سخن از حیات اخروی و قیامت است نمونه آن در: آیه ۱۵ و ۳۳ سوره مریم و ۶۴ سوره عنکبوت می‌باشد.

● حیات شهیدان

گاه سخن از حیات شهیدان در پیشگاه خداوند است: آیه ۱۵۴ سوره بقره و ۱۶۹ سوره آل عمران.

● حیات فیزیکی انسان‌ها

گاه سخن از حیات بخشی قانون قصاص است: آیه ۱۷۹ سوره بقره.

● حیات اندیشه

گاه سخن از حیات اندیشه در گزینش آیین توحید است.

«لهلك من هلك عن بينة ويحيى من حي عن بينة» (۱۶)



❁ هدایت انسان ها

گاه سخن از احیاء یک انسان که به منزله ی احیای بشریت است: آیه ۳۲ سوره مائده که بر اساس سخن معصوم مربوط به کسانی است که با هدایت یک انسان او را زنده می کنند.

❁ حیات علمی

گاه سخن از حیات علمی است:

«ومن كان ميّاً فاحييناه وجعلنا له نوراً يمشي به في الناس» (۱۷)

❁ حیات دینی

و بالاخره گاه سخن از عالیتین ارمان و فرآورده و میوه شیرین دین و رسالت است: «یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله وللرسول اذا دعاكم لما یحییکم» (۱۸) ای کسانی که ایمان آورده اید! (آنگاه که خداوند و پیامبر، شما را فرا خوانند به چیزی که سبب حیات شما می شود فرمانشان را بپذیرید). این آیه رسیدن به قله شکوهمند انواع حیات معنوی را در گرو پیروی از فرمان های خدا و رسول دانسته است.

❁ فهرستی از کاربرد واژه حیات در سخنان معصومین علیهم السلام:

۱- حیات دینی:

قال علی علیه السلام: «لا حیاة الا بالدين» - حیات واقعی نیست، جز در پرتو دین.

۲- حیات روح و جان:

قال علی علیه السلام: «التوحيد حیاة النفس» - توحید و اعتقاد راسخ به یگانگی پروردگار، رمز حیات جان و روح است.

۳- حیات علمی:

قال علی علیه السلام: «العلم حیاة» - علم و دانش جلوه زیبای حیات است.

۴- حیات اجتماعی [عدالت]:

قال علی علیه السلام: «العدل حیاة» - عدالت سرچشمه حیات است.

۵- حیات دل ها [احادیث]:

قال الباقر علیه السلام:

«ان حدیثنا یحیی القلوب» - همانا سخن ما سبب زنده شدن دل ها ست.



۵-۲ حیات دل‌ها [موعظه]:

قال علی علیه السلام: «أحي قلبك بالموعظه» - جان خود را با موعظه زنده کن.

۵-۳ حیات دلها [نور حکمت]:

قال الله عز وجل: «يحيي القلوب بنور الحكمة كما يحيي الأرض بوابل السماء» خداوند در حدیث قدسی فرمودند: دلها با نور حکمت زنده می‌شود همانند زمین که با باران‌های درشت زنده می‌شود.

۶- حیات جان [دوستی با خردمندان]:

قال علی علیه السلام: «صحبة الولي اللبيب حياة الروح» - همنشینی و رفاقت با دوست عاقل و خردمند، رمز حیات روح است.

۷- حیات عقل:

قال علی علیه السلام: «مجالسة الحكماء، حياة العقول وشفاء النفوس» - همنشینی با اندیشمندان و حکیمان، سبب حیات خردها و شفای جان‌هاست.

❁ نکته‌ها و پیام‌ها:

الف) از انواع حیات‌های مادی و معنوی که نمونه‌هایی از آن آورده شد، به جز حیات آخرت که عالم پس از مرگ تجلی‌گاه آن است. تمام موارد حیات، در همین بستر طبیعت شکل می‌گیرد و بروز می‌کند؛ اما دنیا‌گرایان بی‌اعتقاد به آخرت و گریزان از معنویت از همه اقسام حیات معنوی یکسره محرومند. البته ممکن است با یک سلسله از الفاظ و اصلاحات خشک به صورت موقت آشنا شوند، اما لذت حیات را در عمق اندیشه و باور و کانون احساسات درک نکرده و در کام خود شیرینی آن را حس نکرده و لذت واقعی آن را نمی‌یابند.

ب) نظر به اینکه هنوز پرده‌ی از سرّ اصلی حیات برداشته نشده و همچنان به عنوان یک معمای هستی باقی مانده، اما این واقعیت را با آثار برجسته‌ی آن می‌توان شناخت و در حقیقت آشکارترین حقیقت در نظام هستی و ممکنات آثار حیات در گستره‌ی عالم است. بنا براین تمام نمونه‌های حیات مادی و معنوی را می‌توان در ستون‌ها و جدول‌های منظم علائم و نشانه‌های آشکار آن نظاره و



تماشا نمود، که عالیترین منبع و سرچشمه ی زلال و جودشان نشان دهنده آثار قرآن و مخازن عترت و جلوه های طبیعت و تجارب عبرت آفرین در پهنه تاریخ است، لذا در این مقال به نمونه هایی از آثار حیات مادی و معنوی اشاره می شود:

✽ شاخص ها و نشانه های حیات منفی مادی

الف) دلباختگان حیات مادی معمولاً آنچنان اسیر محبت و عشق جلوه های فریبنده دنیا می شوند که دستگاه های ادراکی و شناخت آنان از چشم و گوش و عقل از درک حقائق باز می مانند و تمام درهای بصیرت و شناخت به روی آنان بسته می شوند که مولا امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۰۹ فرمود: «من عشق شیئاً أعشى بصره و امراض قلبه فهو ينظر بعين غير صحيحة و يسمع باذن غير سمیة» کسی که عاشق و شیدای چیزی شد، چشم او به ناپیایی و شب کوری مبتلا می شود و قلب و عقل او بیمار می شود، پس با چشم بیمار می نگرد و با گوش غیر شنوا می شنود، یا در فراز دیگر در همین خطبه ۱۰۹ فرمود: «قد حرقت الشهوات عقله و اماتت الدنيا قلبه و ولهت عليها نفسه» (شهوت های دنیاگرایان جامه عقل آنان را دریده و قلب آنها را کشته و یکسره شیدای عشق به دنیا شده اند).

ب) دنیاگرایان منتهای آرزوی آنان چهار دیوار دنیا است و به عالم دیگر معتقد نیستند که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «الدنيا منتهی بصر الاعمي والبصير ينفذها بصره» (دنیا آخرین حد دید کور دلان دنیا پرست است. اما انسان های بصیر و بینا از دیوار طبیعت عبور کرده و بصیرت آنان دورترین نقطه عالم آخرت را می بینند). نتیجه آنکه انسان های مادی با همه وجود به سمت اهداف مادی کوچ می کنند و برای آن توشه بر می دارند، اما انسان های بصیر از دنیا کوچ نموده و از این عالم بهترین توشه را بر می دارند و پرواز می نمایند.

ج) معمولاً دنیاگرایان خود را به هیچ اصل اخلاقی پایبند نمی بینند و در قربانگاه عشق به دنیا، همه چیز را فدا می کنند. در مصاف دین و دنیا به راحتی به دین فروشی می افتند و گاه مزورانه و با نیرنگ،



حتی از دین به عنوان ابزاری برای رسیدن به مطامع مادی و شهوانی استفاده می نمایند.

❁ شاخص ها و نشانه های حیات طیبه:

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه ۹۷ سوره نحل که سخن از حیات طیبه است فرمود: «منظور قناعت است» این اصل اخلاقی، اقتصادی، به اندازه ای بار ارزشی و تربیتی دارد که می تواند موازنه زندگی را برقرار کند و آدمی را در عین برخورداردهای صحیح از مزایای مشروع و پاک طبیعت در مرز اصلی انسانی، اخلاقی، ایمانی پایبند و استوار نگهدارد و از افتادن در دام حرص و طمع و فخر فروشی، تجمل گرایی، تکاثر و فزون طلبی، تعرض به حقوق مردم، پامال کردن اصول اخلاقی، شکستن مرزهای ظریف عدالت، حفظ نماید. بنابراین جلوه گاه حیات شیرین در بوستان ایمان و عمل صالح آراسته شدن به صفت زیبای قناعت است.

❁ شاخص های حیات دینی:

شاخص های حیات دینی در تجلی گاه رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و تعالیم حیات بخش اسلام آن است که: اولاً به حکم آیه ۲۴ سوره انفال دارندگان ایمان تا خود را به پذیرش و استجابت فرمان خدا و رسول اراسته نکنند، از آب حیات دین بهره مند نمی شوند و کامشان از شهد شیرین حیات دینی لذت نمی برد. جالب این است که این حقیقت در موارد متعدد قرآن آمده است. نمونه دیگر آن در آیه ۱۸ سوره رعد که خداوند می فرماید: «الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْحَسَنِي» برای کسانی که فرمان خدا را بپذیرند زندگی شایسته تر قابل تضمین است.

ثانیاً عالی ترین شاخصه حیات دینی بهره مندی از مزایای اخلاق دینی، حکومت دینی، اقتصاد دینی عواطف دینی، حقوق اجتماعی دینی، تفکر دینی، روابط عمومی دینی و همچنین استفاده صحیح از مزایای مادی است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در روزهای آغازین رسالت خود فرمود: «آي قَدْ جِئْتُمْ بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» من با خیر دنیا و آخرت به سوی شما آمدم.



✿ شاخص‌های حیات اندیشه

معارف الهی و اسلامی یکی از عالی‌ترین حوزه‌های ویژه انسان را، حوزه اندیشه و تفکر و برگزیدن راه صحیح زندگی می‌داند و پیروان خود را به بصیرت و بینش سالم و بهره‌برداری از ابزار شناخت که شاخص‌ترین آن چشم و گوش و دل و عقل و اندیشه است. (آیه ۷۸ سوره نحل) دعوت می‌نماید و خداوند متعال به پیامبرش ﷺ فرمود: «قل هذه سیلی ادعوا الی الله علی بصیرة انا و من ائبعنی» (۱۹) ای پیامبر به مردم بگو این راه و طریقه من است در حالی که خود و پیروان راستینم بصیرت و آگاهی داریم، مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنم و یا در آیه ۱۰۴ سوره انعام فرمود: «قد جائکم بصائر من ربکم» از سوی خداوند زمینه‌های بصیرت (منظور قرآن کریم و آیات الهی) آمد. آنچه از جانب خداوند حکیم بر اساس قانون لطف انجام گرفته که خود فرمود: «ان علینا للهدی» (۲۰) از یک سو هدایت‌های فطری در نهاد و متن وجود انسان و مجهز کردن او به نعمت عقل و اندیشه است و از سوی دیگر وجود پیامبران و وجود تابناک نبی اکرم و خاتم، از راه وحی و پیشوایان معصوم است تا حدی که فرمود: «قد تین الرشد من القی» (۲۱) راه هدایت و گمراهی کاملاً روشن و آشکار شده.

انسانی که بر اساس این سرمایه‌های الهی در فضای روح بخش نسیم بصیرت و بینایی با تکیه بر دلیل‌های روشن و بین، راه رشد و تکامل خود را در گزینش اندیشه الهی طی می‌کند، در حقیقت از نعمت حیات معنوی اندیشه خود را بر خوردار نموده و یک نوع تغذیه معنوی را از راه صحیح برگزیده است. که قرآن فرمود: «فلینظر الانسان الی طعامه» (۲۲) پس انسان عمیقاً بیندیشد به طعام و غذای خود، که امام صادق علیه السلام فرمود: «الی علمه عن یاخذ» یعنی بیندیشید که دانش و اندیشه خود را از چه راه دریافت می‌کند.



۱۹. یوسف/۱۰۸

۲۰. لیل/۱۲

۲۱. بقره/۲۵۶

۲۲. عبس/۳۴